دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره
و غنی سازی خانواده
۵۸-۴۶/ (۲) ۱/ ۱۳۹۴
دریافت: ۰۱ / ۱۰/ ۱۳۹۴
پذیرش: ۱۵/ ۰۳/ ۱۳۹۵

Family Pathology, Counseling
& Enrichment Journal
2016/ 1 (2)/ 46-58
Received: 22, December, 2015
Accepted: 4, June, 2016

پیش‌بینی تعهد زناشویی
براساس تمایزیافتگی خود، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده، و صمیمیت زناشویی

Predicting marital commitment on the basis of differentiation of self, family adaptability and cohesion, and marital intimacy

خدامراد مؤمنی *
سکینه کاوسی امید **
رزیتا امانی ***

Khodamorad Momeni
Sekineh Kavoosi Omid
Rozita Amani

چکیده

ای پژوهش حاضر با هدف پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس تمایزیافتگی خود، همبستگی و انطباق پذیری خانواده و صمیمیت زناشویی در معلمان زن متأهل شهر همدان، انجام گرفت. در پژوهشی با روش توصیفی از نوع همبستگی، نمونه ای به حجم ۳۴۶ نفر از میان تمامی معلمان زن متأهل شهر همدان به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. شرکت کنندگان در مطالعه، فرم مشخصات جمعیت شناختی، پرسش نامه ی استاندارد تعهد زناشویی (آدامز و جونز، ۱۹۹۷)، پرسش نامه ی تمایزیافتگی خود (اسکورون و اسمیت، ۲۰۰۳)، مقیاس ارزیابی انطباق پذیری و همبستگی خانواده (السون و همکاران، ۱۹۸۵) و مقیاس صمیمیت (والکر و تامپسون، ۱۹۸۳) را تکمیل نمودند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که از میان متغیرهای پیش بین، صمیمیت زناشویی بیش ترین نقش را در پیش بینی تعهد زناشویی دارد و پس از آن، همبستگی خانواده و تمایزیافتگی خود قرار دارند و این سه متغیر در مجموع حدود ۶۲ درصد واریانس تعهد زناشویی را پیش بینی می کنند. یافته های پژوهش نشان از اهمیت تجارب تحولی اولیه ی افراد در خانواده و کیفیت رابطه ی مادر و کودک و همبستگی اعضای یک خانواده بر روابط بین فردی زوجین دارند.

واژگان کلیدی: *تعهدزناشویی، تمایزیافتگی خود، همبستگی و انطباق پذیری خانواده، صمیمیت زناشویی*

Abstract

This study has been conducted with the aim to predict marital commitment based on differentiation, family's cohesion and adaptability, and marital intimacy among married women teachers in Hamadan city. In this descriptive correlational research, sample of 346 persons across all married female teachers in Hamadan were selected by multistage random sampling. Participants in the study completed a demographic form, the standard questionnaire of marital commitment (Adams & Jones, 1997), differentiation of self inventory (Skowron & Smith, 2003), flexibility and cohesion evaluation scale-III (Olson et al., 1985) and intimacy scale (Walker & Thompson, 1983). The results of multiple regression analysis showed that among all the predictors, marital intimacy has the biggest role in predicting marital commitment and after that are family cohesion and differentiation. In total, these three variables predict about 62% of the variance of marital commitment. The findings show that the experiences of the early development of the family, the quality of the relationship between mother and child and cohesion of family members, have important effects on couples' interpersonal relations.

Keywords: *Marital commitment, differentiation, cohesion and adaptability of the family, marital intimacy*

* . دانشیار گروه روان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه
** . کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه kavosi.s1387@gmail.com
*** . استادیار گروه روان شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

مقدمه

یکی از نیازهای عاطفی انسان، ایجاد روابط انسانی است و در این میان ازدواج به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ارتباطی میان انسان‌ها معرفی شده است (لوکاس، ۲۰۰۳). در میان تعاملات گوناگون انسانی، تعهد مهم‌ترین جنبه‌ی کیفی یک رابطه است. پایبندی به عهد و پیمان ازدواج نیز به عنوان مکانیزمی دوام‌بخش دارای اهمیت بسزایی می‌باشد و از ویژگی‌های ازدواج‌های موفق و طولانی‌مدت به شمار می‌رود (میچر، ۲۰۱۳). تعهد در ازدواج باعث افزایش رضایت از زندگی و رضایت زناشویی می‌شود (موسکو، ۲۰۰۹) و دومین عامل حفظ‌کننده‌ی ازدواج است (رینولد و منسفیلد، ۱۹۹۹). بدون تعهد، رابطه سطحی، ظاهری و بدون سمت و جهت خواهد بود (تبعه‌امامی، ۱۳۸۲). زوج‌هایی که در مورد تعهد خود در برابر همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده و وفاداری دوسوگرایانه را در پیش می‌گیرند، در ازدواج و کار با دیگران دچار مشکل خواهند شد و این روابط غالباً منتج به بی‌وفایی خواهد بود (مک‌کارتی، ۱۹۹۹).

مفهوم تعهد زناشویی[1]، اخیراً در همه‌ی حوزه‌های مطالعاتی خانواده و ازدواج، توجه زیادی به خود معطوف کرده است و به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائل هستند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند (آماتو، ۲۰۰۶). مطابق مدل آدامز و جونز (۱۹۹۷)، تعهد زناشویی مشتمل بر سه بعد تعهد نسبت به همسر (تعهد شخصی)، تعهد نسبت به ازدواج (تعهد اخلاقی) و محدودیت اجتماعی (تعهد ساختاری) است. تعهد نسبت به همسر شامل عشق، رضایت و فداکاری می‌باشد. تعهد نسبت به ازدواج، به مسئولیت‌پذیری زوجین برای حفظ ازدواج و احترام به آن گفته می‌شود، محدودیت اجتماعی نیز به پیامدهای عاطفی، مالی و اجتماعی خاتمه دادن به روابط زناشویی اشاره دارد.

رزن-گاراندون، میرز و هاتی (۲۰۰۴) در یک بررسی روی ویژگی‌های زوج‌هایی که بیش از ۴۵ سال از ازدواجشان گذشته بود، دریافتند که اکثریت این زوج‌ها به همسر و ازدواج‌شان متعهد بودند و رضایت زناشویی خویش را به مؤلفه‌ی تعهد اسناد می‌دادند. همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که سطوح بالاتر تعهد زناشویی با ابراز عشق بالا (کلمنتس و اسونسون، ۲۰۰۰)، درگیری‌ها و اختلافات زناشویی پایین (اسونسون و تراهاگ، ۱۹۸۵)، بخشودگی بالا(فینک و همکاران، ۲۰۰۲)، تعارض زناشویی پایین (اسکانزونی و آرنت، ۱۹۸۷) و خیانت پایین (فیهر، ۱۹۹۸، به نقل از هریس و لی، ۲۰۰۷) در ارتباط است. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین سلامت روانی افراد و ویژگی‌های روانی و شخصیتی آن‌ها با پایبندی به تعهدات‌شان رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد (ویتسون و الشیخ، ۲۰۰۳) و یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تعهد زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی و روانی فرد می‌باشد (گودنفورد و آگنیو، ۲۰۰۸). از بانفوذترین دیدگاه‌ها در این زمینه، نظریه‌ی تمایزیافتگی[2] بوئن است که بر روابط اولیه در خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می‌داند (یونگ، کلاسکو و ویشار، ۲۰۰۳). درجه‌ی ظهور تمایزیافتگی در هر فرد بیانگر میزان توانایی فرد برای جداسازی فرایند شناختی از فرایند احساسی (هیجانی) است که

1 marital commitment

2 differentiation

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

فرد تجربه می‌کند (بوئن، ۱۹۷۸). تمایزیافتگی بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دوسویه را در ازدواج بررسی می‌کند. انتظار می‌رود زن و مردی که سطح تمایزیافتگی پایینی دارند، در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی‌شدن داشته باشند. در مقابل، در نظام‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی انعطاف‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تجربه کنند (کر و بوئن، ۱۹۸۸؛ بوئن، ۱۹۷۸). یافته‌های پژوهش زارعی و حسینقلی (۱۳۹۳) نشان داد که تمایزیافتگی با تعهد زناشویی رابطه‌ی مثبت معناداری دارد. گلید (۲۰۰۰) در پژوهشی رابطه‌ی منفی و قوی بین تمایزیافتگی بالا و تعارضات زناشویی را نشان داد. اسکورون، استنلی و شاپیرو (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود نشان دادند کسانی که تمایزیافتگی بالایی دارند، در طول زمان مشکلات روانی و تعارضات بین فردی کمتری نسبت به افراد با تمایز پایین دارند.

ملاک و معیار دیگری که براساس آن می‌توان کیفیت اخلاقی، اجتماعی و روانی افراد را مورد ارزیابی قرار داد، شبکه‌ی ارتباطی اعضای خانواده و مجموعه قوانین حاکم بر محیط و جو خانواده می‌باشد (ملاشریفی، وخشور و سلیمی‌زاده، ۱۳۸۴). الگوی حلقوی پیچیده‌ی السون (۲۰۰۰) که منطبق بر نظریه‌ی سیستمی می‌باشد همبستگی[1]، انطباق‌پذیری[2] و ارتباطات خانواده و زوج‌ها را بررسی می‌کند. خانواده هم از درون تحت فشار ناشی از تغییرات تکاملی اعضا و زیرمنظومه‌های خویش است و هم تحت فشار خارجی برای برون‌سازی با انتظارات نهادهای اجتماعی می‌باشد، پاسخگویی به انتظارات درونی و بیرونی مستلزم دگرگونی مداوم جایگاه اعضای خانواده در رابطه با یکدیگر است، تا اینکه بتوانند با وجود تداوم پیوستگی سیستم خانواده، به رشد خود ادامه دهند (مینوچین، ۱۹۷۴، ترجمه‌ی ثنایی، ۱۳۷۳). زمانی که سطوح همبستگی خیلی بالا هستند، توافق بالاتر و استقلال کمتر در خانواده وجود دارد و در سطح پایین، اعضای خانواده خود را مالک چیزهایی می‌دانند که تعلق و یا تعهد به آنها در سیستم خانواده محدود است. خانواده‌هایی که انطباق‌پذیری بسیار بالا و یا پایین را تجربه می‌کنند، غالباً ثبات بیش از حد و یا تغییر زیاد و سریع را تحمل می‌کنند و موجب عدم تعادل در سیستم خانواده می‌شوند (السون، ۲۰۰۰). مولیس، بریلسفورد و مولیس (۲۰۰۳) در پژوهش خود نشان دادند که ارتباط معناداری بین کشف هویت، تعهد و همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده وجود دارد. دهقان‌تنها، آیتی و شهابی‌زاده (۱۳۹۲) نشان دادند که همبستگی اعضای خانواده به طور غیرمستقیم از طریق کاهش جهت‌گیری مذهبی بیرونی و به طور مستقیم از طریق افزایش جهت‌گیری مذهبی درونی، پیش‌بینی-کننده‌ی نگرش منفی به ارتباط پیش از ازدواج است.

علاوه بر تمایزیافتگی، همبستگی و انطباق‌پذیری، صمیمیت[3] نیز یک مقوله‌ی بسیار مهم در ثبات و استحکام ازدواج‌ها به شمار می‌رود. زیرا که تعهد زوج‌ها به ارتباط را محکم می‌کند و به طور مثبتی با سازگاری و رضایت زناشویی مرتبط است (هلر و وود، ۱۹۹۸). صمیمیت، نزدیکی، تشابه و یک رابطه‌ی شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر

[1] cohesion
[2] adaptability
[3] intimacy

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

است که مستلزم شناخت و درک عمیق از فرد دیگر به منظور بیان افکار و احساساتی است که به عنوان منشأ تشابه و نزدیکی به کار می‌رود (باگاروزی، ۲۰۰۱). پیلاژ (۲۰۰۸) در پژوهشی نشان داد یکی از نیازهای عاطفی زوج‌ها، روابط توأم با صمیمیت است که منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی در زندگی می‌باشد. سپاه‌منصور و مظاهری (۱۳۸۵) در پژوهشی نشان دادند که میزان صمیمیت در زوجین می‌تواند موجب رضایت بیشتر در روابط زناشویی آنها گردد. پژوهش پاتریک، سلز، جوردانو و فولرود (۲۰۰۷) نشان داد که زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه‌ی خود داشته و در نتیجه رضایت بالاتری را تجربه می‌کنند.

بر اساس نتایج پژوهش‌ها، فقدان تعهد مهم‌ترین عامل مؤثر بر بروز طلاق می‌باشد (کوهان و کلینبائوم، ۲۰۰۲). باتوجه به مشکلات خانوادگی در جامعه و بالارفتن میزان طلاق، شناسایی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با تعهد زناشویی و برنامه‌ریزی آموزش‌های مبتنی بر این یافته‌ها می‌تواند در پیش‌گیری از اختلافات زناشویی و پربارکردن ارتباطات میان زوجین، به ویژه افزایش تعهد زناشویی کمک نماید. از آنجا که تعهد در دین و فرهنگ ما نیز یک ارزش بسیار عالی می‌باشد و حساسیت زیادی نسبت به آن وجود دارد و از سوی دیگر، متغیر تعهد زناشویی در ایران از متغیرهایی است که با وجود اهمیت بسیار در پایداری زناشویی، مورد غفلت پژوهشگران قرار گرفته است، مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر این است که آیا تمایزیافتگی خود، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده و صمیمیت زناشویی توانایی پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند؟

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی معلمان زن متأهل شهر همدان در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود که طبق آمار اداره‌های آموزش و پرورش نواحی یک و دو تعداد آنها ۳۹۲۴ نفر (۲۱۲۴ نفر ناحیه‌ی یک، ۱۸۰۰نفر ناحیه‌ی دو) بود. تعداد گروه نمونه براساس فرمول کوکران[1] حدود ۳۵۰ نفر برآورد شد که برای حذف اثر پرسش‌نامه‌های بی‌اعتبار تعداد ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. پس از حذف پرسشنامه‌های بی‌اعتبار، تعداد ۳۴۶ پرسشنامه مورد تحلیل نهایی قرار گرفتند. نمونه‌گیری با استفاده از روش چندمرحله‌ای خوشه‌ای انجام گرفت؛ به این ترتیب که نمونه‌ی مورد بررسی در دو مرحله و به صورت تصادفی از جامعه‌ی پژوهش انتخاب شد؛ در مرحله‌ی اول، از بین نواحی آموزش و پرورش شهر همدان که شامل دو ناحیه می‌باشد، یک ناحیه انتخاب و در مرحله‌ی دوم، ۵۰ مدرسه که کادر آن‌ها زن بودند انتخاب شد و از میان معلمان این مدارس، کسانی که در روز مراجعه به مدرسه حضور داشتند انتخاب گردیدند. شرایط ورود به پژوهش شامل تمایل معلمان برای شرکت در پژوهش، گذشت حداقل یک سال از زندگی زناشویی و سکونت به مدت بیش از ۵ سال در شهر همدان می‌شد. شرایط خروج از پژوهش شامل طلاق والدین، وجود بیماری یا اختلال حاد روان‌شناختی، تجربه‌ی سوگ و بارداری در شش ماه گذشته می‌شد که از طریق مصاحبه، افرادی که دارای این شرایط بودند از مطالعه خارج شدند. ۴۶ درصد از شرکت-

[1] Cochran

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

کنندگان در بازه‌ی سنی ۴۰ تا ۵۰ سال بودند، ۶۱/۳ درصد دارای مدرک کارشناسی بودند و بیشترین درصد فراوانی مربوط به سابقه‌ی زندگی زناشویی به ترتیب به بازه‌های ۱۱تا ۱۵ سال (۲۴/۲۷ درصد) و ۱۶تا۲۰ سال (۲۲/۲۵ درصد) باز می گشت.

ابزار

فرم مشخصات جمعیت شناختی: این فرم شامل اطلاعاتی از قبیل سن، میزان تحصیلات، فرزند چندم خانواده، نوع ازدواج، چندمین ازدواج، سابقه‌ی زندگی مشترک و تعداد فرزندان می‌باشد.

پرسشنامه استاندارد تعهد زناشویی[1]: این پرسشنامه توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) با هدف سنجش تعهد زوجین نسبت به همسر و ازدواج طراحی و در ایران توسط عباسی مولید درسال ۱۳۸۸ هنجاریابی شده است. این پرسشنامه ۴۴ گویه دارد و بر اساس طیف لیکرت (قویاً مخالفم تا قویاً موافقم) با نمره‌بندی ۱ تا ۵ تنظیم شده است. نمره‌ی بالاتر در این مقیاس به معنای تعهد زناشویی بالاتر است. در پژوهش آدامز و جونز پایایی سؤالات پرسشنامه از طریق روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمده است. در اعتباریابی آزمون توسط شاه‌سیاه، بهرامی و محبی(۱۳۸۸) روایی محتوا توسط اساتید مشاوره دانشگاه اصفهان تأیید شد و آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد. در پژوهش حاضر، پایایی این پرسسشنامه از طریق محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۵ به دست آمد.

پرسشنامه‌ی تمایزیافتگی خود[2]: فرم اولیه‌ی این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورن و فریدلندر ساخته شد و در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورن و اسمیت، مورد تجدید نظر قرار گرفت و پرسشنامه‌ی نهایی آن توسط جکسون در ۴۶ ماده بر مبنای نظریه‌ی بوئن ساخته شد(اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳). آیتم‌های این پرسشنامه در یک طیف لیکرت از ۱ (اصلاً در مورد من صحیح نیست) تا ۶ (کاملاًدر مورد من صحیح است) نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس شامل چهار خرده مقیاس واکنش هیجانی، موقعیت من، گسلش عاطفی و آمیختگی با دیگران می باشد. حداکثرنمره‌ی واقعی ۲۷۶ است. نمره‌ی کمتر این پرسشنامه، نشانه‌ی سطوح پایین‌تر تمایزیافتگی است. ضریب آلفای گزارش شده توسط اسکورن و فریدلندر برای پرسشنامه‌ی تمایزیافتگی خود ۰/۸۸ است. یونسی(۱۳۸۵) ضرایب پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه کرد که پایایی بالای این پرسشنامه را نشان می‌دهد، در پژوهش جهان بخشی و کلانترکوشه(۱۳۹۱) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ و برای خرده مقیاس‌های واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۷۳ ، ۰/۶۴ ، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه گردید. در پژوهش حاضر، پایایی این پرسشنامه از طریق محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریزعاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۶۳، ۰/۷۴ و ۰/۶۶ به دست آمد.

مقیاس ارزیابی انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده[3]: این مقیاس یک ابزار ۲۰ سؤالی است که توسط السون و همکاران (۱۹۸۵) براساس الگوی حلقوی پیچیده‌ی عملکرد خانواده تدوین شده است. دو بعد محوری در عملکرد خانواده یعنی

[1] Dimensions of Commitment Inventory (DCI)
[2] Differentiation of Self Inventory-Revised (DSI-R)
[3] Flexibility And Cohesion Evaluation Scale-III (FACES-III)

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

همبستگی و انطباق‌پذیری (قدرت تغییر کردن) را ارزیابی می‌کند. نمره‌ی کل مقیاس برابر است با جمع نمره‌ی تمام پرسش‌ها، نمره‌ی همبستگی خانواده با جمع نمره‌ی سؤالات فرد و نمره‌ی انطباق پذیری خانواده با جمع نمره‌ی سؤالات زوج به دست می‌آید. بالا بودن نمره‌ی همبستگی، نشانه‌ی خانواده‌ی به هم تنیده و بالا بودن نمره‌ی انطباق پذیری نشانه‌ی آشفتگی خانواده است. نتایج پژوهش کیانی و فرحبخش(۱۳۸۹) و گلچین(۱۳۸۰) نشان داد مقیلس ارزیابی انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده با آلفای کرونباخ ۰/۶۸ برای کل ابزار، آلفای ۰/۷۷ برای همبستگی خانواده وآلفای ۰/۶۲ برای انطباق‌پذیری از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است. ضرایب همبستگی در بازآزمایی برای همبستگی خانواده ۰/۸۳ و برای انطباق پذیری ۰/۸۰ بوده و نشان‌دهنده‌ی ثبات بسیار خوب پرسشنامه است (ثنایی،۱۳۸۷). در پژوهش حاضر، پایایی این پرسشنامه از طریق محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس-های همبستگی و انطباق‌پذیری به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۴ به دست آمد.

مقیاس صمیمیت[1]: این پرسشنامه یک ابزار ۱۷ سؤالی است که برای سنجش مهر و صمیمیت توسط والکر و تامپسون در سال ۱۹۸۳ تدوین شده است. نمره‌ی شرکت‌کننده در مقیاس صمیمیت از طریق جمع نمرات سؤالات و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می شود. این پرسشنامه با ضریب آلفای ۰/۹۱تا ۰/۹۷ از همسانی درونی خوبی برخوردار است (والکر و تامپسون، ۱۹۸۳). این پرسشنامه در سال ۱۳۷۹ توسط ثنایی ترجمه شد و اعتمادی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهش خود ضریب پایایی کل آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، پایایی این پرسشنامه از طریق محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۷ به دست آمد.

روش اجرا

پس از تعیین حجم نمونه‌ی مورد نظر، پرسش‌نامه‌های مورد نیاز تهیه، سپس از طریق هماهنگی با حراست سازمان آموزش و پرورش استان همدان و اداره‌ی آموزش و پرورش ناحیه‌ی یک به صورت حضوری و پس از جلب مشارکت و همکاری شرکت‌کنندگان و بیان هدف پژوهش، به تعداد لازم در میان معلمان واجد ملاک‌های ورود این مطالعه توزیع گردید و از آن‌ها خواسته شد تمام ماده‌های آزمون‌ها را با دقت بخوانند و پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کنند. برای از بین بردن ملاحظات اداری و اطمینان افراد از عدم افشای اطلاعات، پرسش‌نامه‌ها بدون ذکر نام و نام خانوادگی طراحی شد. هر بسته‌ی پرسشنامه حاوی ۴ مقیاس (تعهدزناشویی، تمایزیافتگی‌خود، همبستگی و انطباق-پذیری خانواده و صمیمیت زناشویی) بود. به منظور کنترل تأثیر ترتیب آزمون‌ها، بسته‌ها به گونه‌ای بود که در هر ۲۵ درصد، یکی از پرسشنامه‌ها در ابتدا قرار داده شده بود. در این بررسی از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره) استفاده شده است. تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS نسخه‌ی ۱۸ انجام گرفت.

یافته‌ها

جدول۱، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های شرکت‌کنندگان را بر حسب متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد.

[1] Intimacy Scale (IS)

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

جدول ۱.

اطلاعات روان‌سنجی برای متغیرهای پژوهش

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
انطباق‌پذیری	۱۴	۵۰	۳۰/۰۴	۹۷/۵
همبستگی	۱۴	۵۰	۳۹/۸۴	۶/۲۲
تعهد زناشویی	۶۰	۲۱۵	۱۶۰/۸۲	۲۷/۰۵
صمیمیت زناشویی	۱/۱۲	۷	۵/۴۸	۱/۳۲
تمایزیافتگی کلی	۹۷	۲۳۶	۱۵۸/۰۷	۲۲/۵۳
واکنش‌پذیری عاطفی	۱۱	۶۰	۳۳/۴۳	۹/۱
جایگاه من	۲۰	۶۵	۴۴/۲۹	۶/۹۹
گریز عاطفی	۱۳	۷۲	۴۳/۳۸	۹/۷
درهم آمیختگی با دیگران	۱۸	۶۱	۳۶/۹۷	۸/۳

جدول ۲ .

تحلیل رگرسیون چندگانه رابطه‌ی متغیرهای مستقل اصلی و تعهد زناشویی

مدل	منبع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری	R	R^2
	رگرسیون	۱۴۹۸۲۹/۲۱۱	۱	۱۴۹۸۲۹/۲۱۱				
مرحله۱	باقیمانده	۱۰۲۷۹۱/۰۳۵	۳۴۴	۲۹۸/۸۱۱	۵۰۱/۴۱۸	<۰/۰۰۱ الف	۰/۷۷۰	۰/۵۹۲
	مجموع	۲۵۲۶۲۰/۲۴۶	۳۴۵					
	رگرسیون	۱۵۶۷۳۷/۳۵۱	۲	۷۸۳۶۸/۶۷۶				
مرحله۲	باقیمانده	۹۵۸۸۲/۸۹۴	۳۴۳	۲۷۹/۵۴۲	۲۸۰/۳۴۷	<۰/۰۰۱ ب	۰/۷۸۸	۰/۶۱۸
	مجموع	۲۵۲۶۲۰/۲۴۶	۳۴۵					
	رگرسیون	۱۵۸۶۷۷/۰۸۶	۳	۵۲۸۹۲/۳۶۲				
مرحله۳	باقیمانده	۹۳۹۴۳/۱۵۹	۳۴۲	۲۷۴/۶۸۸	۱۹۲/۵۵۵	<۰/۰۰۱ ج	۰/۷۹۳	۰/۶۲۵
	مجموع	۲۵۲۶۲۰/۲۴۶	۳۴۵					

طبق نتایج جدول بالا، تحلیل واریانس از مدل رگرسیون چندگانه در جدول فوق بیانگر آن است که مدل رگرسیون اعمال شده معنی‌دار بوده و مجاز به استفاده از آن می‌باشیم ($p<۰/۰۱$). همانطور که در جدول فوق مشاهده

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

می‌شود، با توجه به مقدار R^2، متغیرهای مذکور مجموعاً حدود ۶۲ درصد از میزان واریانس تعهد زناشویی را پیش-بینی می‌کنند.

جدول ۳.

ضرایب رگرسیون چندگانه متغیرهای مستقل اصلی و تعهد زناشویی

مدل	متغیر (عامل)	B	خطای معیار	Beta	t	سطح معنی‌داری
مرحله۱	مقدار ثابت	۷۴/۴۳۷	۳/۹۶۸		۱۸/۷۵۸	<۰/۰۰۱
	صمیمیت	۱۵/۷۶۳	۰/۷۰۴	۰/۷۷۰	۲۲/۳۹۲	<۰/۰۰۱
مرحله۲	مقدار ثابت	۵۲/۳۵۲	۵/۸۷۱		۸/۹۱۷	<۰/۰۰۱
	صمیمیت	۱۳/۵۴۱	۰/۸۱۴	۰/۶۶۲	۱۶/۶۲۶	<۰/۰۰۱
	همبستگی	۰/۸۶۰	۰/۱۷۳	۰/۱۹۸	۴/۹۷۱	<۰/۰۰۱
مرحله۳	مقدار ثابت	۳۷/۸۶۹	۷/۹۷۳		۴/۷۵۰	<۰/۰۰۱
	صمیمیت	۱۳/۲۷۷	۰/۸۱۳	۰/۶۴۹	۱۶/۳۲۲	<۰/۰۰۱
	همبستگی	۰/۸۳۵	۰/۱۷۲	۰/۱۹۲	۴/۸۶۱	<۰/۰۰۱
	تمایزیافتگی	۰/۱۰۷	۰/۰۴۰	۰/۸۹	۲/۶۵۷	۰/۰۰۸

به منظور بررسی نقش متغیرهای مستقل در پیش‌بینی واریانس تعهد زناشویی شرکت‌کنندگان، اقدام به تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی گام‌به‌گام شد. نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که متغیر صمیمیت زناشویی بیشترین نقش را در پیش‌بینی تعهد زناشویی دارد و پس از آن متغیرهای همبستگی و تمایزیافتگی قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی تمایزیافتگی خود، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده و صمیمیت زناشویی با تعهد زناشویی بود. نتایج نشان داد که همبستگی، صمیمیت و تمایزیافتگی با تعهدزناشویی رابطه دارند و این متغیرها حدود ۶۲ درصد از واریانس تعهد زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند اما انطباق‌پذیری خانواده توان پیش‌بینی تعهدزناشویی را ندارد. تحلیل رگرسیون چندمتغیره‌ی گام به گام نشان داد که صمیمیت دارای بیشترین همبستگی با تعهد زناشویی است و ۵۹ درصد تغییر واریانس تعهد زناشویی را تبیین می‌کند که این یافته با پژوهش‌های پیستول و لورانس (۱۹۹۹)، جودی (۲۰۰۶)، جین‌فرو(۲۰۰۹) و غفوری، گل‌پرور و مهدی‌زادگان (۲۰۱۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت صمیمیت، یک عنصر ترکیبی است و شامل عناصر متعددی نظیر محبت، هیجان، خودافشایی، تطابق، تشابه، استقلال و دلبستگی می‌شود. ترکیب و تعادل همه‌ی این عناصر منجر به ایجاد و تداوم صمیمیت می‌شود. شرایط دوران کودکی به ویژه تجارب خانوادگی و کیفیت رابطه‌ی مادر و کودک نقش مهمی در شکل‌گیری صمیمیت دارند. صمیمیت در دوران بزرگسالی از دلبستگی ایمن در دوران کودکی ناشی می‌شود. برای افراد دارای سبک دلبستگی

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

ایمن آسان است که با دیگران رابطه‌ی نزدیک برقرار کنند، به دیگران تکیه کنند و نیز اجازه دهند که دیگران به آنها تکیه کنند و می‌توانند به طور کامل به دیگران اعتماد کنند. اعتماد به خود و اعتماد به دیگری دو ویژگی اساسی افراد ایمن محسوب می‌شود. این افراد در روابط عشقی، اعتماد، صمیمیت و هیجان مثبت بیشتری دارند و در مورد عشق، کمتر بدبین هستند و روابطشان کمتر دچار شکست می‌شود. با توجه به این توضیحات، طبیعی به نظر می‌رسد که افرادی که سبک دلبستگی ایمن بالاتری دارند (صمیمیت زناشویی بالاتری دارند) دارای تعهدزناشویی بالاتری باشند. با توجه به تحلیل رگرسیون گام به گام، همبستگی خانواده نیز دومین متغیر پیش‌بینی کننده‌ی تعهدزناشویی است و ۲ درصد تغییر واریانس تعهد زناشویی را تبیین می‌کند. این یافته با یافته‌های پژوهش مولیس و همکاران (۲۰۰۳) و رزمی (۱۳۸۳) همسو می‌باشد. آن‌ها نشان دادند که همبستگی خانواده به صورت مثبت، تعهد بین فردی را پیش‌بینی می‌کند. کارکرد خانواده، تأثیر مستقیمی بر نیازها، اهداف، رضایت‌مندی از زندگی و روابط عاطفی خانواده داشته و همبستگی در آن نقش اساسی دارد. به نظر می‌رسد جوّ مثبت خانواده‌های همبسته که همراه با احساس مسئولیت‌پذیری متقابل است، زمینه‌ی مساعد برای تعهدزناشویی را فراهم می‌نماید. همچنین علت این نتیجه می‌تواند نزدیکی و یکسانی زیاد دو مفهوم «همبستگی‌خانواده» و «تعهد زناشویی» باشد. طبق نظر السون (۱۹۹۹) همبستگی خانواده، احساس انسجام، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به همدیگر دارا هستند. لینگرن (۲۰۰۳)، همبستگی را به صورت نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌کند. از نظر او دو کیفیت مرتبط با همبستگی خانواده مشتمل بر «تعهد» و «وقت‌گذراندن با هم‌دیگر» است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که علاوه بر صمیمیت و همبستگی، تمایزیافتگی نیز با تعهد زناشویی رابطه‌ی مثبت دارد و آن را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند. این یافته‌ی پژوهشی با نتایج پژوهش‌های قبلی (گلن و کرامر، ۱۹۸۷؛ هاوس و مالینکرود، ۱۹۹۸؛ اسکورن و دندی، ۲۰۰۴، میلر، اندرسون و کلا، ۲۰۰۴؛ پیلاژ، ۲۰۰۸؛ اسکورن، ۲۰۰۰؛ جمالی‌مطلق و همکاران،۲۰۱۳؛ زارعی و همکاران، ۱۳۹۰؛ حامدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱؛ آریامنش و همکاران، ۱۳۹۲؛ زارعی و حسینقلی،۱۳۹۳) همسو است. طبق نظر گلن و کرامر (۱۹۸۷) تجربیات و مشخصه‌های فردی با تعهد زناشویی در ارتباط هستند. تمایزیافتگی‌خود به عنوان یکی از مشخصه‌های فردی با تعهد زناشویی ارتباط دارد. در تبیین این یافته می‌توان اظهار کرد، درجه‌ی توانایی فرد برای اجتناب از تبعیت خودکار رفتار از احساسات، بیانگر میزان تمایزیافتگی خود است و هدف اصلی آن توازن میان احساسات و شناخت است. در واقع افراد بیش‌تر تمایزیافته تمایل دارند تا خودمختاری در روابطشان داشته باشند و مایلند صمیمیت بیشتری در روابطشان بدون غرق شدن در احساسات داشته باشند. این ویژگی‌های افراد تمایزیافته موجب استحکام روابط زوج‌ها و افزایش تعهدزناشویی می‌شود.

با توجه به یافته‌های این پژوهش مشاوران خانواده و ازدواج می‌توانند از طریق افزایش صمیمیت بین همسران و درمان مشکلات مربوط به صمیمیت، تعهد زناشویی را در میان آن‌ها بهبود بخشند. نمونه‌ی پژوهش حاضر به جمعیت

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

معلمان زن اختصاص داشت؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابهی در گروه‌های زوجی صورت گیرد و از ابزارهای اندازه‌گیری دیگر مانند مصاحبه استفاده گردد تا بر اعتبار نتایج افزوده شود.

منابع

آریامنش، صابر؛ فلاح‌چای، رضا و زارعی، اقبال. (۱۳۹۲). مقایسه تمایزیافتگی بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره. ۳(۱)، ۸۱-۹۸ .

اعتمادی، عذرا؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ احمدی، احمد و فرزاد، ولی‌الله. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی زوج درمانی شناختی-رفتاری بر صمیمیت زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهراصفهان، مطالعات روان‌شناختی، ۲(۱و۲)، ۸۷-۶۹

بیرامی، منصور؛ فهیمی، صمد؛ اکبری، ابراهیم و امیری پیچاکلایی، احمد. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایزیافتگی. مجله اصول بهداشت روانی.، ۱۴(۱)، ۶۴-۷۷.

تبعه‌امامی، شیرین. (۱۳۸۲). تعیین وبررسی رابطه بین ویژگی‌های مرکزی و پیرامونی عشق و تعهد در بزرگسالان جوان متاهل در دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اصفهان.

ثنائی ، باقر . (۱۳۸۷) . مقیاس های سنجش خانواده وازدواج . تهران : انتشارات بعثت.

جهان بخشی، زهرا و کلانترکوشه، محمد.(۱۳۹۱). رابطه‌ی ابعاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی با رغبت به ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علامه. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی‌خانواده.۲(۲)، ۲۳۴-۲۵۴.

حامدی، رباب؛ خسروی، زهره؛ پیوسته‌گر، مهرانگیز؛ درویزه، زهرا؛ خدابخش، روشنک و صرامی، غلام‌رضا. (۱۳۹۱). بررسی تمایزیافتگی خود وکیفیت رابطه با غیرهم‌جنس در دانشجویان مجرد. مطالعات روانشناختی، ۸(۴)، ۵۷-۷۱.

دهقان‌تنها، ریحانه؛ آیتی، محسن و شهابی‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۲). کارکرد خانواده و جهت‌گیری مذهبی؛ ارائه الگوهای نگرش به ارتباط پیش از ازدواج و پیامدهای آن در دانشجویان دارای ارتباط و بدون ارتباط با جنس مخالف. روانشناسی و دین، ۶(۳)، ۸۱-۹۵

رزمی، محمدرضا. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت در نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه شیراز.

زارعی، سلمان و حسینقلی، فاطمه. (۱۳۹۳). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه(شرم و گناه) و تمایزیافتگی خود در دانشجویان متأهل. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۱)،۱۰۳-۱۱۳.

سپاه‌منصور، مژگان و مظاهری، محمدعلی. (۱۳۸۵). مقایسه مؤلفه‌های سبک‌های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ص۲۱۷.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

شاه‌سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه و محبی، سیامک .(۱۳۸۸). بررسی رابطه ی رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرضا . مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی ، (۱۱) ۴۳ ، ۲۳۳- ۲۳۸ .

کیانی، احمدرضا ؛ فرحبخش، کیومرث؛ اسدی، مسعود و شیرعلی‌پور، اصغر . (۱۳۸۹). ابعاد جهت‌گیری مذهبی و مرزهای ارتباطی خانواده، روانشناسی و دین، ۱۱، ۹۳-۱۰۶.

گلچین، مهری. (۱۳۸۲). ارتباط عملکرد خانواده با برخی ویزگی‌های روانی نوجوانان دختر و پسر، مجله پژوهشی علوم پزشکی، ۴، ۳۰۰-۳۱۴.

ملاشریفی، شیدا؛ وخشور، حسن و سلیمی‌زاده، محمدکاظم. (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس جو خانواده برای خانواده ایرانی ساکن تهران. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱(۳)، ۲۵۵-۲۶۸.

مینوچین ،سالوادر.(۱۳۷۳) .خانواده و خانواده درمانی. (ترجمه ی ثنائی، باقر) .تهران : امیرکبیر. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی: ۱۹۷۴)

یونسی، فاطمه. (۱۳۸۵). هنجاریابی آزمون خودمتمایزسازی(DSI–R) در بین افراد۲۵ تا ۵۰ ساله. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم‌تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

Adams, J. M. & Joens, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: an integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5), 1177-1196.

Amato, P. R. (2004). Studying marital interaction and commitment with survey data. *journal of Marriage and Family*,23, 53-70.

Amato, P. R. (2008). Continuity and change in marital quality between 1980 and 2006. *Journal of Marriage and the Family*, 1-22.

Bagarozzi, D. (2001). *Enhancing intimacy in marriage*. NY: Taylor & Francis Group.

Bowen, M. (1978). *family therapy in clinical practice*. NY. London: Jason Anderson.

Cohan, C. L., & Kleinbaum, S. Toward a greater understanding of premarital cohabitation and marital commitment. *Journal of Marriage and Family*, 2002, 64(1), 180-193

Ghafuri, M., Golparvar, M., & Mehdizadegan, I. (2010). Attachment Styles and religious attitudes as success and failure predictors of maritalrelationships. *Behaviourial Science Studies*,7(2), 143-153.

Glad, G. E. (2000). The effect of self differentiation on marital conflict. American *Journal of Pastoral Psychology*, 65-76.

Glenn, G. V. & Krammer, M .G. (1987). Examining individualism, collectivism and differentiation in African American college women. *Journal of Mental Health Counseling*, 1-15.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

Goodfriend, W. Agnew, C. R. (2008). Sunken costs and desired plans. *Personality and social psychology Bulletin*,37, 1639-1652.

Haws, W. & Mallinckrodt, B. (1998). Separation individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couple. *AmericanJournal of FamilyTherapy*,26(4), 293-307.

Heller, P. &. Wood, B. (1998). The of process of intimac. *Journal Marital and FamilyTherapy*, 24: 273-291.

Harris, K. M. & Lee, H .(2007.). The development of marriage expectations, attitudes, desire from adolescence into young adulthood, University of North Carolina at Chapel Hill . *Department of sociology and the Carolina population center*.

Jamali motlagh, M. F. (2013). Attachment styles, Differentiation of self and sexual dysfunction as pridictors of marital satisfaction in married women. *SwitzerIand research park journa*,10(102): 870-884.

Jeanfreau, M. M. (2009). a qualitative study investigating the decision making process of women, participation in marital infidelity. *kansas stateuniversity*.

Judy, A. (2006). Understanding the contribution of relative commitment to the link betmeen romantic attachment and jealousy. *unpublished doctoral dissertation, university of Carolina*.

Kerr, M. B. Bowen, M. (1988). *Family evaluation: An approach based on Bowen theory.* NY: Norton.

Lingren, H. G. (2003). Creating sustainable families. publishedby cooperative extension Institute of Agriculture andNatural Resources. *University of Nebraska-Lincoln*, Available on: www.ianr.unl.edu/pub.

Lucas, R. E. (2003). Reexamining adaptation and the set point model of happiness: Reaction changein maritalstatus. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84(3), 527-539.

Maccarthery, B. (1999). Marital style and its effects on sexual desire and functioning. *Journal of Family Psycho Therapy*, 10, 1-12.

Macher, S. (2013). Social interdependence in close relationships: The actor partnerinter dependence–investment model (API-IM. *European Journal of Social Psycholog*,43, 84-96.

Miller, R. A. Anderson, S., Keala, D.K. (2004). Is Bowen theory valid? A review of basic research. *Journal of marital and family therapy*, 30, 453- 470.

Mosko, J. (2009). .Communication and attachment dimension's in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy. *Purdue University*.

Mullise, R. B. Brailsford,J.C. & Mullise,A.K. (2003). Relation between Identity formation and family characteristics young adults. *Journal of family Issues*. *Journal of family Issues*,

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]

Olson, D. H. Portner, J., & Lavee, Y. (1985). *FACES III. Unpublished manuscript,Family Social Science.* University of Minnesota

Patrick, S. S. Sells, J. N., Giordano, F. G. & Follerud, T. R. (2007). Intimacy,differentiation. And personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.

Pelage, M. (2008). The relationship between differentiation of self and marital satisfaction:What can be learn from married couple over the course of life? . *The Journal of Family Therapy*,36, 388-401.

Pistol, m. c. lorance, c. v. (1999). Attachment and commitment in collegestudent's romantic relationships. . *Journal of college student development*, 40, 6,pg 710.

Reynold, J. & Mansfield, P. (1999). The effect of changing attitudes to marriage on its stability. *Lord Chancellors department. High divorce rats: the state of the evidence on reasons and remedies,* (2), 1-3. *Research series,* 2/99.

Rosen- Garandon, J. R. Myers, J. E. & Hattie, J. A. (2004). The relationship between mental characteristic, marital interaction processes and marital satisfaction. *Journal of Counseling & Developmen*,82, 58-68.

Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling psychology*,47, 229-237.

Skowron, E. & Dendy , A. K. (2004). Differentiation of self & attachment in adulthood:Relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy*. 26,P 339 .

Skowron, E. A. . & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*,29, 209-222.

Skowron, E. A., Stanley, K., & Shapiro, M. (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal, and psychological well-being in youngadulthood. *Contemporary Family Therapy*,22, 234-244.

Walker AJ, Thompson L. (1983). Intimacy andintergenerational aid and contact amongmothers and daughtersy. *journal of Marriage AndThe Famil*. *45:841-9.*

Whitson, S., El-Sheikh, M. (2003). Marital conflict and health. *Processes and protective factors Aggression and Violent Behavio*,8, 283–312.

Young, J. K. , Klosko, J., & Weishaar, M. (2003). *Schema therapy: A practitioner'sguide.* New York: Guildford.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6]